نرخ‌نامهٔ کشتی‌رانی رشتهٔ بحرالکاهل و کشتی‌های کوچک فقط برای ۷۷ مسافر؛ صد تومان اضافه‌بها

در اخبار بندرگاه‌ها و دریانوردان ← صفحهٔ ۵

□ اخبار ادبی \ گفت‌وگو در حجرهٔ دفتر ۵

گفت‌وگو با نسرین مهرآیین، برندهٔ جایزهٔ ادبی «نخل سپید» برای رمان «کلاغ‌های بی‌نام»

گفت‌وگو در حجرهٔ دفتر، میان دیوارهایی که هنوز بوی کاغذ کهنه می‌دهد

نسرین مهرآیین سال‌ها در کتابخانهٔ عمومی شهر کار کرده است. او می‌گوید بسیاری از شخصیت‌های رمانش را همان‌جا، میان قفسه‌ها، پیدا کرده است. رمان او روایت زندگی سه خواهر است که پس از مرگ پدر، خانهٔ قدیمی خانوادگی را ترک می‌کنند و هر یک به شهری دور می‌رود. نام رمان از کلاغ‌هایی گرفته شده که در فصل پایانی بر بام خانه جمع می‌شوند.

پیغامبر: رمان از کجا شروع شد؟ از شخصیت‌ها یا از یک تصویر؟

از یک تصویر. روزی پیرمردی را دیدم که ساعت‌ها پشت پنجره ایستاده بود و به حیاط خانه‌ای خیره شده بود که دیگر کسی در آن زندگی نمی‌کرد. از او پرسیدم چه می‌بیند. گفت هیچ، فقط جای خالی. همان شب شروع کردم به نوشتن. اما وقتی نوشتم، فهمیدم که جای خالی خودش یک شخصیت است.

پیغامبر: نام رمان، «کلاغ‌های بی‌نام»، چه معنایی دارد؟

در روستای ما رسم بود که وقتی کسی می‌مرد، کلاغ‌ها چند روز بر بام خانه‌اش می‌نشستند. مردم می‌گفتند کلاغ‌ها اسم آدم‌ها را می‌دانند و برای همین آن‌ها را «بی‌نام» صدا می‌کردند. برای من این نام یادآور چیزهایی است که دیده شده‌اند اما هرگز به‌درستی شناخته نشده‌اند.

پیغامبر: شخصیت‌های زن رمان شما بسیار قوی‌اند. آیا عمداً چنین طراحی کرده‌اید؟

نه عمداً. فقط تلاش کردم آن‌ها را همان‌طور که در ذهنم شکل گرفتند بنویسم. شاید چون بیشتر عمرم را میان زن‌ها گذرانده‌ام، صدای آن‌ها برایم طبیعی‌تر است. اما دوست ندارم آن‌ها را در برابر مردها تعریف کنم. آن‌ها فقط خودشان‌اند.

پیغامبر: سکوت در رمان شما تقریباً به اندازهٔ گفت‌وگو اهمیت دارد. عمداً این‌طور نوشته‌اید؟

بله. در زندگی واقعی هم آدم‌ها بیشتر از آنچه می‌گویند، سکوت می‌کنند. دوست دارم خواننده فضا برای فکر کردن داشته باشد. گاهی یک جمله کوتاه بعد از یک پاراگراف طولانی تأثیر بیشتری دارد.

پیغامبر: برنامهٔ بعدی شما چیست؟

رمانی درباره‌ی یک کتابخانه‌ی دریایی که همه‌ی کتاب‌هایش درباره‌ی غرق‌شدن است. هنوز در ابتدای راه هستم و خیلی چیزها را نمی‌دانم، اما همین نادانی برایم هیجان‌انگیز است.

فصلی آبنوس در ته‌تاریخانه

(گفت‌وگو با نسرین مهرآیین)

نسرین مهرآیین سال‌ها در کتابخانه‌ی عمومی شهر کار کرده است. او می‌گوید بسیاری از شخصیت‌های رمانش را همان‌جا، میان قفسه‌ها، پیدا کرده است. رمان او روایت زندگی سه خواهر است که پس از مرگ پدر، خانه‌ی